

دکتر سعید نظری

دکتری فرهنگ و زبانهای باستانی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج

نامه نخست سغدی

چکیده

سغد نام باستانی منطقه‌ای اطراف دره بدخشان در ماوراءالنهر بود؛ مرکز این منطقه، شهر سمرقند است. مردم سغد در زمان ساسانیان به دلیل فعالیتشان در بازرگانی بخصوص تجارت با چین و هند معروف بودند و یکی از قطبهای اصلی اقتصاد ایران به شمار می‌آمدند. از این زبان در دوره ایران میانه، آثار بسیاری بر جای مانده که یکی از مهمترین آنها، نامه‌های کهن سغدی است. نامه‌های کهن سغدی به زبان و خط سغدی به سال ۱۹۰۷ میلادی توسط سر اورل استاین در یکی از برجهای نگهبانی دیوار چین بدست آمد این اسناد شامل پنج نامه کامل و چهار تکه پاره شیشه به نامه است. نامه‌های سغدی تحولات سیاسی و اجتماعی مردمان آن روزگار چین را بازگو می‌کند. نامه نخست سغدی از طرف دختری از اهالی دون هوانگ خطاب به همسرش نوشته شده است.

واژه‌های کلیدی:

سغد، نامه‌های کهن سغدی، شهرهای چین.

مقدمه

سغد یکی از استانهای امپراتوری هخامنشی بود که داریوش اول در سنگ نبشته بیستون از این سرزمین یاد می‌کند. اکنون سغد، ازبکستان جنوبی و تاجیکستان غربی را در برمی‌گیرد. مردمان سغد تاجر و از طریق بازرگانی و کشاورزی، روزگار خود را می‌گذراندند. آثار مکتوب سغدی از نزدیک سمرقند تا یکی از برجهای دون هوانگ (Dun – huang) و از مغولستان داخلی تا دره سند در شمال پاکستان کشف شده است. زبان این سرزمین به نام زبان سغدی خوانده می‌شود؛ از زبان سغدی در دوره باستان اثری برجای نمانده است ولی در دوره میانه آثار نسبتاً زیادی به دست آمده است؛ زبان سغدی بر اثر نفوذ زبان فارسی میانه و نیز زبان‌های دیگر از رواج افتاد و تنها تا قرن ۱۱ میلادی این زبان تکلم می‌شد. اما از آن پس، جای خود را به زبان یغناپی (Yaghnābī) داد که امروزه در دره یغناپ در میان کوههای زرفشان بدان سخن گفته می‌شود. آثار سغدی مشتمل بر نوشته‌های روی سکه، سفالینه، نامه‌های کهن سغدی، کتیبه افراسیاب، آثار کوه مغ، آثربودایی، مسیحی، مانوی و چندین اثر گرانبهای دیگر است.

نامه‌های باستانی سغدی

از نظر تاریخی سکه نوشته‌های سغدی که تاریخ آنها به قرن دوم میلادی می‌رسد کهن‌ترین نوشته‌های زبان سغدی است اما بیشتر سکه‌ها از قرن پنجم میلادی به بعد ضرب و درزادگاه قوم سغد به ویژه نواحی بخارا و سمرقند پیدا شده است. سکه نوشته‌ها فقط اطلاعاتی درباره نام‌ها می‌دهند و محتوای قابل ملاحظه‌ای ندارند. اما در سال ۱۹۰۷ باستان‌شناس شهیر مجاری، سر اورل استاین ۱ Sir Aurel Stein کاوش‌هایی را در مسیر جاده ابریشم انجام داد که آثار بسیار گرانبهایی از این مناطق به دست آمد. این اسناد در یکی از برج‌های دیده‌بانی مخروبه سلسله هان در ۹۰ کیلومتری غرب دون – هوانگ ۲ در ایالت گانسو ۳ (بین دون – هوانگ و لویانگ) و ۵۵۰ کیلومتری شرق لولان ۴ در محوطه باستانی «T.XII.a» (مراجعه شود به نقشه شماره: الف) تاخورد به دست آمد (www. sogdian ancient letters , p. 1) نامه‌های کهن سغدی به زبان و خط سغدی

توسط سغدیان مقیم سین - کیانگ ۵ (ترکستان چین) و گانسو خطاب به هم وطنانشان در غرب (سغدیان و سمرقند) و برخی از نواحی منتهی به چین، نظیر دون - هوانگ سوز - هو ۶، گوزانگ ۷ و جین - چنگ ۸ نوشته شده که میان شهرهای مزبور و خاک اصلی سغد (بخصوص سمرقند) رابطه بسیار نزدیک وجود داشته است. نامه‌های مزبور، تحولات سیاسی در چین شمالی، ناامنی راهها، مشکلات و مسائل تجاری در سغد، شرایط زندگی و فعالیت روزمره بازرگانان ساکن در لویانگ ۹ رابازگو می‌کند. (Sims - Williams , 2001 , p. 47) این‌گونه به نظر می‌رسد که دست نوشته‌ها در کیف پستی در مسیر عبور از مرکز چین به غرب توسط نگهبانان مرزی چین صادره گردیده است و هرگز به دست دریافت‌کنندگانش، نرسیده است. تاریخ نگاران بر این باورند که قاصدان موفق نشده‌اند به منزل مقصود برسند، آنها به گرداب حوادث سخت و ناگوار افتاده‌اند، کوشیده‌اند در برج برای خود پناه گاهی پیدا کند ولی این کوشش نافرجام بوده است، آنها کشته شده و کیسه نامه‌ها با مبدأ و مقصد مختلف، شانزده قرن در خرابه‌های برج مدفون بودند. این اسناد، شامل پنج نامه کامل و چهار تکه پاره شبیه به نامه است که پیچیده در ابریشم قهوه‌ای رنگ درون یک پاکت پارچه‌ای زبر از جنس کتان به دست آمد. (مراجعه شود به تصویر شماره دو) تمام نامه‌ها تا شده بودند و این تاخوردگی، نوشته‌های نامه‌ها را تا حد امکان محفوظ نگاه داشته بود. البته آسیب دیدگی‌های جزئی در لبه بیرونی برخی از نامه‌ها دیده می‌شد. کاغذهای مربع شکلی که این نامه‌ها بر روی آن نوشته شده، از لحاظ اندازه ابعاد از یک نظم ویژه برخوردار بوده است که خود بیانگر یک اندازه استاندارد، برای این اسناد است. عرض نامه‌های سغدی در حدود ۲۲ سانتیمتر است که اندازه استاندارد نامه‌های آن روزگار بوده است. ۱۰ که از دید باستان‌شناسان این موارد بسیار مهم است Stein , Aurel, 1921 , v.2, chap. xviii, p. 671 پژوهشگران در مورد تاریخ دقیق تحریر نامه‌ها، اختلاف نظر دارند، سر «اورل استاین» از دیدگاه باستان‌شناسی موفق شد زمان دقیق نامه‌ها را مشخص کند. بدین وسیله وی از این واقعیت که مدارک چینی که در برج‌های نگهبانی همان ناحیه پیدا شده است، پرده برداشت و معتقد است که نامه‌ها در سال ۱۳۷ میلادی نوشته شده است. وب. هینینگ (W.B. Hening) در مقاله «تاریخ نامه‌های سغدی» نظریه استاین نیمه اول قرن دوم را رد کرده و معتقد است حوادث و اتفاقاتی که در نامه دوم بدان

اشاره می‌شود - تاراج و ویرانی شهر لویانگ و به ۱۱ و نیز فرار امپراتور توسط هونها - در سالهای ۳۱۱ و ۳۱۲ میلادی است. آ. فوجیدا Akira.Fujieda و هارمات Ja. No Harmatta خلاف نظر هینینگ را دارند. هارمات معتقد است که اتفاقاتی که در نامه دوم بدان اشاره می‌شود در سالهای ۱۹۰ تا ۱۹۵ میلادی رخ داده است در حالی که فوجیدا، تاریخ نامه‌ها را قرن شش میلادی می‌پندارد و سرانجام به دفاع از نظریه هینینگ، سیمزوبلیامز معتقد است که ویرانی شهرهای «لویانگ و به» و فرار امپراتور از لویانگ در سال ۳۱۱ میلادی اتفاق افتاده است؛ لذا تاریخ نامه دوم را در همین سال‌ها می‌داند. (1) (www. Iranica. com- Hening , Walter Bruno. p. 1) به هر حال با توجه به اتفاقاتی که در نامه‌ها بدان اشاره شده است؛ می‌توان حدث زد که نامه‌ها در سال ۳۱۳ میلادی نوشته شده است.

نامه نخست

نامه نخست سغدی در سال ۱۹۰۷ با ابعادی در حدود ۲۲ × ۴۰ سانتیمتر به صورت تاخورده و در حالی که با نخ محکم بسته شده بود، در محوطه باستانی «T.XII.a» در غرب دون - هوانگ به دست آمد. در گوشه فوقانی نامه، تا خوردگی‌ای مشاهده می‌شود که بر روی آن نشانی نامه در سه سطر کوتاه نوشته شده و پاره‌ای از خطوط آن (نیمی از آن) با گذشت زمان از بین رفته است. در بخش تانخورده (متن نامه) ظاهراً دوازده سطر نوشته شده که به دلیل سهل انگاری در حفظ نامه، بخش‌های میانی آن (خط یک تا شش) از بین رفته است. (مراجعه شود به تصویر شماره: یک) (Reichelt , 1931, vol.2, p.7)

نامه از طرف دختری پریشان حال از اهالی دون - هوانگ به نام «میوانای» Mēwānāy خطاب به مادرش «چایتیس» čātis نوشته شده است. شوهر میوانای مدتی است برای سفر یا مأموریت دولتی به جایی رفته و او از مادر اجازه می‌خواهد تا نزد وی برود، اما بنابه دلایلی - شاید مخالفت اقوام همسرش برای دیدن مادر - از روحانیون و بزرگان محل تقاضای کمک می‌کند. از مفاد این نامه دریافت می‌شود که بین دختر و مادر فاصله مکانی بسیاری وجود دارد. علاوه بر این هیچ‌گونه رابطه‌ای بین دختر و مردان نامبرده در نامه وجود ندارد و حتی به نام همسر دختر، مکان، محل، و تاریخ نامه نیز اشاره‌ای نشده است.

حرف نوشت:

MN	δwγδr	‘D	pryw
	myw’nyh		m’t
	’z’tčh		[č’t/ysh]

1 [MN δw|xδryh myw’nyh¹ ’z[’]tčh ‘D [p]ryw m’t č’tysh²

[’]pryw nm’[čyw]

2 ’PZYš šy[r] YWM ZKZYβ XZYH ZY δrwčh ’nčyh ’HRZY [mn³
ZK] YWM prtr ZY ’YKZY-βn [xwt]y wyn’ym – (n)⁴

3 pr δrwst’t]wh ’HRZY-m⁵ ’nm’’k⁶ k’δyw ’PZYβ wyn’ym⁷
’HRZY βxtk nyst ’HRZY-m

4 ptškw’t s’γ’r’k β’nk[r]m ’HRZY β’nkr’m [m’]δ w’βt ’nyw ZY
mδ’ nny[δt]⁸ pntrw

5 nyst ’YKZY ’rtyβ’n⁹ ’HRZY – m ptškw’t ’rtyβ’n ’HRZY m’δ
w’βt prnxwnt ZY

¹. این واژه را می‌توان به صورت mywz’yh حرف‌نویسی کرد.

². رایشلت، هینینگ و سیمزویلیامز: واژه‌ی čatis را اسم زنی می‌پندارند لذا با توجه به اینکه در اسناد Niya (منطقه‌ای نزدیک لوپ نور چین) زنی با این نام دیده شده از این‌رو واژه čatis حرف‌نویسی می‌کنیم (Henning, W.B, 1948, p.603)

³. رایشلت ضمیر اول شخص مفرد m-، لذا با توجه به بافت جمله آن‌را اول شخص جمع mn- تصحیح می‌کنیم.

⁴. رایشلت فعل را اول شخص جمع wyn’ym حرف‌نویسی کرده لذا با توجه به بافت جمله، این فعل را اول شخص مفرد wyn’ym تصحیح می‌کنیم و پسوند -n را شناسه تأکیدی می‌گیریم.

⁵. رایشلت: ym // // //، لذا این واژه را به صورت ’HRZYm تصحیح کرده
⁶. ریشه نامعلوم است و می‌توان به صورت ’zm’k تصحیح کرد درحالی‌که سیمزویلیامز این واژه را به معنای «مشتاق» ترجمه می‌کند.

⁷. رایشلت حرف‌نویسی نکرده است لذا براساس بافت جمله به صورت wyn’ym مضارع اول شخص مفرد بازسازی می‌کنیم.

⁸. رایشلت: znyδt

⁹. سیمزویلیامز: Artewan

6 'xšnyβnt¹ 'HRZY čnw L' nm'w 'pδβyr't L' nm'w ptxwt
'HRZY prnxwnt

7 m'δ m'δ w'βt kδZY nyš kt'w'ntk γwtm L' ptsynt 'PZYtn
šw'y pyts'r 'k'w

8 m'th 'YKZYt² 'zw škr'n 'HRZY pčks' 'YKZY nmčw' s'n³
tys't 'HRZY 'st kδ

9 nnyδt tys't 'HRZY 'zw'm βyzβr'k 'pw nγ'wδn 'pw 'nγ'mk⁴
'HRZY xwyz'm⁵ p'rh⁶ 'HRZYm m'δ wγtw δ'rt

10 'HRZYm nyδk nmt δβrt 'HRZY ptwyδ'm 'č βγnptw ZKw
srδm'nytw

11 'HRZY kδ šwy 'HRZYtn 'zw 'xwštrw δβr'n 'HRZY mrt'xmk
šwy'
'HRZY 'wy r'δyh

12 šyr'kk kwn'n 'HRZYm wytwr kwny 'PZYm δyγh prsty.

^۱. سیمزویلیامز این واژه را ترجمه نکرده است لذا با توجه به ترجمه رایشلت واژه را به صورت ذیل ریشه یابی می‌کنیم: -xšnāv(a)y(a)-βnd- < * xšnēv-βnd- < * xšnyβnt که معنای این واژه «خشنودی خدمتکاران» است.

^۲. رایشلت: ضمیر دوم شخص جمع -tn- لذا با توجه به بافت جمله آن را به صورت ضمیر دوم شخص مفرد -t- تصحیح می‌نماییم.

^۳. ریشه نامعلوم است.

^۴. می‌توان بصورت 'zy'mk تصحیح کرد.

^۵. رایشلت: xw'n'm و هینینگ: xps'm

^۶. رایشلت: p'nh به معنای «درمیز غذا، خوان»

آوانوشت:

čan duɣdar mēwānīh	ar parēw māt
āzāč	[čatis]

1 [čan duɣdarya Mēwānāy āz[ā]č ar [p]arēw māt čatis
[ā]friw namā[čyu]

2 utəti – š ? ši[r] mēθ xoti – fa wēn ti druč ančay erti – [m xō]
mēθ fratar ti kađuti – fan [xut]ē wēnēm – (n)

3 par δrustā[t]u erti – man anmāk kāđyu utəti – fa wēnēm erti
baxtē nēst erti – m

4 patškwāt Sāyarak βānka[rā]m erti βānka[rā]m [mā]δ wāβt anya ti
mađa Nanai[– δat] pan(d)taru

5 nēst kađuti Artewan erti–m patškwāt Artewan erti māδ wāβt Farn
– xund ti

6 əxšnē – βandē erti čānu nē namu (ə)paθβērāt nē namu
patxut erti Farn – xund

7 māδ māδ wāβt kađūti niš katāwandē xwatam nē patsēnd utəti –
tan šawe patsār (ə)kō

8 māt kađuti – t azu škarān erti pačkasa kađuti nmčw' s'n tisāt
erti ast kađ

9 Nanai – δat tisāt erti (ə)žawām βəžβarē (ə)pu niγōđan (ə)pu
anyāmē erti xwēzām pār erti – m māδ waydu dārt

10 erti – m nēdē namat δbart erti patwēdām ač βayn-patu awu

erti kaδ sarðmānētu

11 šawe erti – tan azu axuštru δβarān erti martəxmē šawya erti
awi rāθī

12 širē kunān erti – m witūr kunē utəti – m diya frastaye.

برگردان:

از: دختر میوانای^۱ نجیب زاده

به: مادر (ش) چایتس^۲

۱. از طرف دختر میوانای نجیب زاده به مادر (ش) چایتس آفرین و نماز(او) را
۲. پس او (همسرش) روز خوب (خواهد داشت) آن که ترا سلامت و آرام بیند پس برای ما آن روز بهتر (خواهد بود) چون خودم
۳. ترا در سلامت ببینم و بسیار مشتاقم که ترا ببینم و بخت نیست (= بخت آنرا ندارم)
۴. آنگاه من عرض کردم به ساگارا^۳ رایزن و رایزن چنین گفت: دیگر اینجا (کسی) به ننه – دات (= داده‌ی ننه)^۴ نزدیکتر نیست چون اردوان^۵
۵. آنگاه من به اردوان چنین عرض کردم و چنین گفت: فرن – خوند (= فرخند)^۶ خشنودی خدمتکاران (را جلب می‌کند)
۶. و چون با عجله رد کردم و با نفرت نپذیرفتم پس فرن – خوند

¹. čatis

². Mēwānāy

³. Sāyarak

⁴. Nanai-δat

⁵. Artewan

⁶. Farn-xund

۷. چنین گفت: حال چون خویشاوند همسر (شما) قبول نکرد که تو به (نزد) مادرت روی
۸. چگونه من ترا همراهی کنم پس صبر کن چنانچه..... خواهی آمد و پس هست اگر
۹. ننه - دات بیاید و بدبخت (در فلاکت) زندگی می‌کنم بدون پوشاک و بدون خوراک و درخواست وام کردم
۱۰. و هیچ‌کس به من نمد نمی‌دهد (=کمک نمی‌کند) و از روحانی خوشی (خبر خوش) را هدیه گرفتم پس به من چنین گفت:
۱۱. اگر بروی من ترا یک شتر خواهم داد پس باشد که مردی (با تو) بیاید و در راه
۱۲. به خوبی (از تو مراقبت) کند پس باشد که انجام دهد تا اینکه برای من نامه بفرستی.

پانوشتها

۱. سر اورل استاین در ۲۶ نوامبر ۱۸۶۲ در بوداپست کشور مجارستان چشم به جهان گشود. استاین برای ادامه تحصیل در رشته زبانهای شرقی و باستان‌شناسی عازم انگلستان شد و در آنجا موفق به کسب درجه دکتری گردید. وی در سال ۱۸۸۸ میلادی به هند رفت و با سمت ریس کالج شرقی در لاهور، مشغول تحقیق شد و در آنجا ده سال از عمرش را گذراند. سپس این شرق شناس، تحقیقاتش را درباره آسیای میانه و خاور نزدیک شروع کرد. نخستین سفر استاین (۱۹۰۰ - ۱۹۰۱) صحرای تاکالاماکان بود سفر دوم وی آسیای میانه (۱۹۰۶) بود که در این سفر، سراسر شاخه جنوبی جاده ابریشم را که گرداگرد تاکالاماکان کشیده می‌شد، طی کرد. تا به شهر باستانی لولان رسید و در آنجا، بروی مکان‌های باستانی خادیلک، نیا و چند محوطه دیگر به کاوش پرداخت. استاین در سفر سوم خود، به سال ۱۹۱۴ به دون - هوانگ بازگشت و کاوشهایی را در غارهای هزار بودا انجام داد. این باستان‌شناس در سن ۸۰ سالگی در سال ۱۹۴۳ درگذشت. (www. the Hungarian Quarterly vol: xl iii , no: 16)
۲. شهرستان دون - هوانگ Dun - huang در شهر جیایو - گوان شرق ایالت گانسو واقع است این شهر مرزی دروازه راه تجاری آسیای مرکزی محسوب می‌شد که به سال ۱۱۷ قبل از میلاد توسط امپراطوری وودی Wudi از سلسله هان تاسیس شد. شهردون - هوانگ آخرین منزلگاه حفاظت شده برای مسافری و بازرگانان جاده ابریشم بود و تجار قبل از حرکت به سوی سین - کیانگ مدتی را در این شهر برای استراحت و تیمار اسبان واشتران خود، سپری می‌کردند و در موگاو Mogao - غارهای هزار بودا - برای سفر خود به دعا و نیایش

متوسط می‌شدند، با موقعیتی که این شهر در آن روزگار داشت، می‌توان گفت که نقطه ورود مبلغان آیین بودایی و محل تقاطع دو شاخه مهم جاده ابریشم بوده است.

۳. گانسو (Gansu یا Kan - su) با وسعتی در حدود ۴۵۴۰۰۰ کیلومترمربع در شمال شرقی چین واقع شده است؛ همسایگان این ایالت در غرب سین - کیانگ و در شرق شانسی و در شمال مغولستان داخلی است. مرکز گانسو لان - جو Lanzhou در جنوب شرقی واقع شده است. از شهرهای دیگر این ایالت می‌توان به وو - وی، جیو - گوان و دون - هوانگ اشاره کرد. در مسیر جاده ابریشم گانسو نقش به‌سزایی در تبادلات اقتصادی و فرهنگی بین چین و غرب داشت. دیوار بزرگ راچندان گسترش دادند تا این منطقه را دربرگیرد.

۴. لولان (lou - lan) یا کرووانا شهر تجاری کوچک و مرفقی با تاریخی ۱۶۰۰ سال، و جمعیتی چهارده هزار نفری، هم مرز دون - هوانگ و شهر نیا و در غرب دریاچه لوپ نور - شمال شرقی واحه تاریخی - واقع شده بود. این شهر در سال ۱۷۶ قبل از میلاد توسط سلسله هان بنا شد. لولان قلب جاده ابریشم محسوب می‌شد و پل ارتباطی چین به غرب بود چنانکه بازرگانان نواحی مختلف برای عبور از جاده ابریشم، مدتی را در این منطقه گرد می‌آمدند. لولان با شهرتی که به دست آورده بود، ناگهان در سال ۶۳۰ میلادی پس از هشتصد سال درخشش، ناگهان از صحنه روزگار محو شد. باستانشناسان معتقدند که شرایط بد آب و هوا و طغیان رودخانه‌ها و نیز تغییر مسیر جاده ابریشم، این شهر را متروک ساخت. لذا، پس از ۱۶۰۰ سال حبس در زیر شن‌های داغ صحرای تاکالاماگان، در ۲۸ مارس ۱۹۰۰ میلادی، باستان شناس سوئدی، سوان هدن S. Headn این شهر خاموش را پس از سالیان مدید کشف کرد. (www. the ancient state of loulan)

۵. سین - کیانگ (xinjiang) نامی چینی و به معنی رودخانه غربی است. که در زبان فارسی آن را ترکستان چین نامیده‌اند. این ایالت با وسعتی در حدود ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومترمربع در شمال شرقی چین در همسایگی کشور قرقیزستان تاجیکستان و پاکستان در غرب و فلات تبت در جنوب و ایالت گانسو در شرق واقع شده است. مرکز آن اورومچی Urumqi و از شهرهای مهم آن کاشغر، ختن و ترفان است. ایالت سین - کیانگ در زمان سلسله کینگ بدین نام خوانده شد.

۶. امروزه سوز - هو Suzhou با نام جیایو - گوان خوانده می‌شود جیایو - گوان در شمال غرب ایالت گانسو واقع شده است و نیز این شهر همچون شهرهای دیگر ایالت نقش بسزایی در جاده ابریشم ایفا کرده است.

۷. امروز گوزانگ Guzang با نام وو - وی Wuwei خوانده می‌شود. وو - وی در شمال شرقی گانسو واقع شده است.

۸. امروزه جین - چنگ Jincheng تحت عنوان لان - جو Lanzhou مرکز گانسو است که در شمال این ایالت واقع شده است.

۹. از ایالت‌های باستانی چین هنان Henan با وسعتی در حدود ۱۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع است. شهرهای مهم آن عبارتند از: لویانگ Lo - yang یا Luoyang، آنیانگ Anyang و کایفنگ Kaifeng، لویانگ، یکی از شهرهای شمالی هنان است که از نظر تاریخی قدمتی کهن داشته و سالیان سال پایتخت سلسله‌های بزرگ چین بوده است. و به عنوان یکی از هفت پایتخت بزرگ باستانی چین یاد می‌کنند:

- سال ۲۵۶ - ۷۷۰ قبل از میلاد پایتخت سلسله زو شرقی Zhou

- سال ۲۵ - ۲۲۰ میلادی پایتخت سلسله هان شرقی Han

- سال ۴۹۴ میلادی پایتخت سلسله وی شمالی Wei

- سال ۶۰۵ میلادی پایتخت سلسله سوی Sui

در این شهر اولین معبد بوداییان چین به قرن ۱۶ میلادی واقع شده است.

۱۰. با بررسی و مطالعه نامه‌ها متوجه می‌شویم که نامه‌ها مطابق با الگوی سنتی نوشته شده بود، به عبارت دیگر نامه‌ها با سبک ساده نامه‌نویسی و به زبان متداول محاوره‌ای حاوی مقدار کثیری لغات ساده است که در زندگی روزمره به کار رفته است و با عبارتی مؤدبانه و احوال‌پرسی خاص در ابتدای نامه شروع می‌شود، و نیز در پایان نامه نام نویسنده گیرنده، محل و تاریخ نامه را می‌بینیم؛ پس از نوشتن نامه آن را تا کرده و درون یک پاکت کوچک قرار می‌دادند و آدرس را روی یک طرف پاکت می‌نوشتند که حاوی نام گیرنده و فرستنده بوده است؛ و بطوری که ساختار نوشتاری نامه مانند نامه‌های امروزی است

۱۱. شهرستان یسه Ye یکی از شهرهای باستانی چین است که در شهر آنیانگ در ایالت هنان واقع شده است. این شهر سالیان سال برای پادشاهان سلسله شمالی حایز اهمیت بوده؛ و در زمان سلسله وی Wei شرقی و کی Qi شمالی به عنوان پایتخت برگزیده شده بود.

واژه‌نامه

1. 'pryw	درد، آفرین	صفت
āfry(u)?		حالت فاعلی
< * ā-friya		ریشه نامعلوم است
اسم مذکر		i.3
حالت رایبی		9. 'ny – دیگر
ق: ۲۲۰		ani,ane
i.1		< * anya
2. 'z'tč	زن آزاده، نجیب زاده	صفت
āzāč		حالت رایبی
صفت مونث		i.4
حالت فاعلی		0. 'pδβyr
ق: ۴۰۱		(ə)paθβēr
i.1		< * upa-θwar- (aya)
,		'pδβyr't
		ماضی ثانویه سوم شخص مفرد
		ق: ۱۲۶۱
3. 'č	از	گ.پا: ۲۹۳
ač		i.6
< * hača		11. 'pw
حرف اضافه		بدون، بی
		(ə)pu

ق: ۶۱۶	< * apam
گ: ۸۵	حرف اضافه
i.10	ق: ۱۳۶۳
4. 'HRZY	گ.پا: ۱۱۶۴
سسپس، پس آنگاه	i.9
(هزوارش)	12. 'PZY
arti	که، و، پس (هزوارش)
حرف ربط	utəti, tuti
ق: ۲۰۷۶	< * uta-uti < * utti
i.1-12	حرف ربط
5. 'k'w → 'kw	ق: ۱۴۱۵
ق: ۸۴۷	گ.پا: ۳۰۷
i.7	i.2,3,7,12
6. 'nčy	13. 'st
آرام، آسوده	ast
ančy	مضارع سوم شخص مفرد
< * ham-čyā-ya	i.8
حالت فاعلی	14. 'rtyβ'n
i.2	اردوان
7. 'ny'mk	Artewan
غذا؟، معیشت؟، هنگام؟	اسم مذکر خاص
anyāmē	حالت فاعلی
اسم مذکر	ق: ۱۵۰۹
حالت غیر فاعلی	i.5
ق: ۹۹۰	15. 'wy
i.9	او، آن
8. 'nm''k	awi/ē
مشتاق	βānkarām
anmāk	اسم مذکر
< op. avahyā	حالت فاعلی
حرف تعریف	ق: ۲۰۴۹
ق: ۲۰۴۹	i.4
گ.پا: ۱۴۳۹ ف	23. βynpt
i.11	کاهن، جادوگر
16. 'xšnyβnt	βayn-pat
خشنودی خدمتگزار	βynptw
əxšnē-βandē	اسم مذکر

صفت مرکب	حالت غیر فاعلی
حالت غیر فاعلی	ق: ۲۵۷۸
i.7	i.10
17. 'xwštr – شتر	24. βn شما، به شما، شما را
axuštr	fan
'xwštrw	khwar. fn
اسم مذکر	ضمیر دوم شخص مفرد
حالت رایبی	حالت غیر فاعلی
ق: ۲۱۲۹	ق: ۲۶۳۶
i.11	گ: ۱۳۸۱
18. 'YKZY	i.2
چون، اگر، چنانکه، وقتی که (هز)	25. βryy-wr → βry-wr
kaδuti, čānu-ti?	ق: ۲۸۰۹
قید	i.1
ق: ۲۱۷۰	26. βxtk بخت
i.2,5,8	baxtē
19. 'zw¹ من	صفت
azu	حالت فاعلی
< Av. azəm ; op. adam ; parth. az	i.3
ضمیر اول شخص مفرد	27. βyzβr'k بدبخت
حالت غیر فاعلی	βəžβarē
ق: ۲۳۴۷	اسم مذکر
گ. پا: ۱۳۳۸	حالت فاعلی
i.8,11	ق: ۳۰۶۴
20. 'zw² – زندگی کردن، زیستن	i.9
(ə)žaw, (ə)žu	چ
'zw'm	28. č'tys چاتیس
مضارع اول شخص مفرد	čatis
ق: ۲۳۴۸	اسم مؤنث خاص
گ. پا: ۲۶۴ ن ۱	
i.9	

β	حالت فاعلی
21. -β¹ تو، شما	i.1
fa	29. čnw چون، مانند
<θwam	čanu
ضمیر دوم شخص مفرد	قید
ق: ۲۴۳۴	ق: ۳۲۴۲
حالت غیرفاعلی	i.6
i.2,3	δ
22. β'nkr'm	30. δ'r – داشتن، نگاه داشتن
op. dāraya <مشاور، رایزین	δār
δ'rt	37. HZYH دیدن (هزوارش)
ق: ۳۴۱۲	wēn
گ.پا: ۲۸۵، ۸۸۰-۸۷۷، ۸۵۵	مضارع سوم شخص مفرد
wytw δ'rt → ماضی نقلی متعدی	ق: ۴۵۶۴
i.9	i.2
31. δβr – دادن، بخشیدن	k
δβar, θfar	38. k'δy بسیار، خیلی، کاملاً
< * fra-bara-; khot. haur; khwar.	kādy/y/e/i
hβr-	< * kādiya
δβry	k'δyw
مضارع دوم شخص مفرد	قید
ق: ۳۴۹۹	ق: ۴۶۳۰
گ.پا: ۸۵۶، ۸۸۳، ۹۵۷، ۹۳۱	i.3, v.19
δβrt	39. kδ هر وقت، وقتی که، اگر
مضارع سوم شخص مفرد	kaδ
i.10	< kaδā
δβr'n	ق: ۴۷۰۳
التزامی اول شخص مفرد	گ.پا: ۱۵۸۱
i.11	i.11,8
32. δrwč سالم، تندرست	40. kδZY → kδwty
δruč, žuč	ق: ۴۷۲۷
صفت مؤنث	i.7

- حالت فاعلی
ق: ۳۶۰۷
i.2
33. δrwst't سلامتی، تندرستی
δrustāt
δrwst'twh
اسم مؤنث
حالت غیر فاعلی
ق: ۳۶۱۳
i.3
34. δwxth → δwγδr
ق: ۳۶۸۷
i.1
35. δyγh → δykh
ق: ۳۷۴۱
i.12
γ
36. γwtm خویشاوند
Xwatam
< * xwatama ; < tauxma
اسم مذکر
حالت غیر فاعلی
ق: ۴۴۷۴
گ.پا: ۱۲۷، ۴۴۴
i.7
H
ق: ۵۱۴۷
i.7
m
45. - m من
m
ضمیر اول شخص مفرد
- 41. kōwty** اگر، چنانچه، چون
kaδūti
ق: ۴۷۲۳
گ.پا: ۱۱۸، ۱۶۸۵
قید
i.7
42. kt'w'ntk شوهر
katāwant/dē
اسم مذکر
حالت فاعلی
ق: ۴۹۵۴
i.7
43. kwn - کردن
kun
< * krnu; op.kunau
kwn'n
التزامی اول شخص مفرد
i.12
kwny
تمنایی سوم شخص مفرد
i.12
L
44. L' نه (هزوارش)
nē
ادات نفی
حالت فاعلی
ق: ۵۴۵۸
i.11
53. myw'ny میوانای
miwānāy
اسم مؤنث خاص

حالت غیر فاعلی	حالت فاعلی
ق: ۵۱۶۲	i.1
گ.پا: ۱۳۴۶	n
i.3,5,9,12	جز تاکیددی با معنی نا معین n - 54
46. m'δ چون، چنین، مانند	n
māδ/θ	i.2
< * hama-aθa; Av. hamaθa	55. nγ'wδn لباس، پوشاک، جامه
قید	niγōδan
ق: ۵۱۷۰	اسم مذکر
گ.پا: ۳۹۷	حالت غیر فاعلی
i.4,5,7,9	ق: ۵۸۹۷
47. m't مادر	i.9
māt	56. nm -
< * mātar-	بذیرفتن (بیشترین کاربرد با حرف نفی
اسم مونث	در معنی قبول نکردن، رد کردن)
حالت فاعلی	nam
ق: ۵۲۴۴	< sk. namo
گ.پا: ۹۴۰	nm'w
i.8,1	ماضی غیر تام اول شخص مفرد
48. mδ' اینجا	ق: ۵۹۶۲
maða	گ.پا: ۸۱۸ آ
قید	i.6
ق: ۵۲۸۳	57. nm'čy نماز، تعظیم، نیایش
i.4	namāčy
49. MN از (هزوارش)	nm'čyw
čan	ق: ۵۹۷۰
حرف اضافه	اسم مذکر
ق: ۵۳۳۰	حالت رایبی
i.1	i.1
50 - mn ما، به ما، مارا	58. nmčw'
man	ریشه و معنای آن نامعلوم است
	i.8

- ضمیر اول شخص جمع
ق: ۵۳۳۱
گ.پا: ۸-۱۳۷۶
i.2
51. mrt'xmk →
mrtym'k, mrtxmy(y)
ق: ۵۴۵۴
i.11
52. mrtym'k مردم
martəxmē
اسم مذکر
60. nny – δt ننه – دات
nanai-δat
اسم مذکر خاص
حالت فاعلی
i.4,9
61. nyδk هیچ کس
nēδē
< * naida-ka
ضمیر
حالت فاعلی
ق: ۶۲۴۳
i.10
62. nyst – نیست
nēst
< *nē-asti
مضارع سوم شخص مفرد
ق: ۶۲۹۹
گ.پا: ۷۳ ن ۱، ۷۸۴
i.5,3
63. nyš به علاوه، اینک، در حال، هان
niš
- 59. nmt** نمد
namat
< Av. nəmata; Khot. namata
اسم مذکر
حالت فاعلی
ق: ۶۰۰۲
i.10
i.4
67. pr بر، به در، برای
par
< * upari; Yaghn.par; khwar.pr
حرف اضافه
ق: ۶۹۲۲
گ.پا: ۹۶، ۱۶۲۵
i.3
68. prnxwnt رن – خوند
Farn-xund
اسم مذکر خاص
حالت فاعلی
i.5,6
69. prsty – فرستادن
frastay
ق: ۷۲۱۱
prstyy
ماضی دوم شخص مفرد
i. 2
70. prtr بهتر، بیشتر
fratar
< Av. fratara
حالت اضافه
i.2, ii.49
71. pryw به آن، بر آن

ادات	parēw
ق: ۶۳۱۲	< upari-aiva
گ.پا: ۲۹۹	حرف اضافه
i.7	ق: ۷۴۰۴
p	گ.پا: ۱۴۹۶
64. p'r وام، قرض	i.1
pār	72. pts'r
اسم مذکر	در جهت عکس، به عقب، سپس
حالت فاعلی	patsār
ق: ۶۴۵۳	حرف اضافه
i.9	ق: ۷۸۷۹
65. pčks منتظر بودن، انتظار داشتن	i.7
pačkas	73. ptsynt – پسندیدن، قبول کردن
pčks'	patsēnd
ماضی غیر تام سوم شخص مفرد	ماضی غیر تام سوم شخص مفرد
ق: ۶۶۵۳	ق: ۷۹۱۴
گ.پا: ۷۷۵	i.7
i.8	74. ptškw'y – عرض کردن، گفتن
66. pntr نزدیکتر	patškwāy
pan(d)tar	ptškw't
pntrw	ماضی غیر تام سوم شخص مفرد
صفت تفضیلی	ق: ۷۹۳۳
حالت رایبی	srδm'nytw
ق: ۶۹۱۵	حالت رایبی
گ.پا: ۱۲۸۵	i.10
۵۶۷، ۱۷۰، ۱۶۴، ۳۰، پا: ۳۰	Š
i.4,5	83. - š ش، اش
75. ptwyδ² –	ضمیر سوم شخص مفرد
نشان دادن، تسلیم شد، هدیه کردن،	حالت غیر فاعلی
سپردن	ق: ۹۱۴۶
patwēδ	گ. پا: ۵۰۰، ۱۳۷۲

ptwyδ`m	i.2	دنبال کردن، همراهی
مضارع اول شخص مفرد	84. škr –	
ق: ۷۹۹۷	بودن	
گ.پا: ۳۰۲، ۶۲۲	škar	
i.10	ق: ۹۲۱۲	
76. ptxwt سرزنش، منفور؟	گ.پا: ۳۶۶، ۶۲۹	
patxut	škr`n	
صفت	التزامی اول شخص مفرد	
حالت اضافی	i.8	
ق: ۸۰۱۵	85. šw – رفتن، شدن	
i.7	šaw, šō	
77. pyts`r → pts`r	< op. šyava-; < čyav	
ق: ۸۳۸۸	šw`y	
i.7	مضارع دوم شخص مفرد	
R	i.7,11	
78. r`δ راه	šwy`	
rāθ	تمنایی دوم شخص مفرد	
< Yaghn. rōt/s	i.11	
r`δyh	86. šy`kk → šy`kk, šyrk	
اسم مونث	ق: ۹۴۱۲	
حالت غیر فاعلی	i.12	
ق: ۸۴۱۴	87. šyr`k خوب، زیبا	
i.11	širak, širē	
S	ق: ۹۴۰۸	
79. s`γ`r`k ساگاراک	گ. پا: ۹۸۲، ۱۲۰۸	
sāγarak	صفت	
اسم مذکر خاص	حالت غیر فاعلی	
حالت فاعلی	ق: ۹۴۰۸	
i.4	i.12	
80. s`γ`r`k ساگاراک	T	
sayrak	تو	
اسم مذکر خاص	(ə)t	
	< op. taiy	
	تو	

حالت فاعلی

i.4

81. s'n

ریشه و معنای آن نامعلوم است

i.8

82. srōm'nyt خوشحالی

sarōmānēt

srōm'nyt

صفت جمع

tan

ضمیر دوم شخص جمع

ق: ۹۶۰۶

گ: ۱۳۸۳

i.7,11

90. tys – وارد شدن

tis

< * ati-isa; Yaghn.tis

tys't

ماضی سوم شخص مفرد

ق: ۹۷۵۵

گ: ۵۳۹، ۶۱۴

i.8,9

W**91. w'β** – گفتن

wāβ

w'βt

ماضی سوم شخص مفرد

ق: ۹۷۷۳

گ: ۶۰۳

i.5,7,4

92. wyt – گفتن

wayd,uγd

wytw

ضمیر دوم شخص مفرد

حالت غیر فاعلی

ق: ۹۴۷۰

گ: ۱۳۵۷

i.8

89. tn شما، شان**95. xwty** د (خودم، خودش، خودشان)

xutē

برای تاکید ضمائر شخصی بکار می‌رود

ق: ۱۰۸۲۴

گ: ۴۰۲، ۱۳۹۰، ۱۶۷۸

i.2

96. xwyz خواستن

xwēz, xoyz, [xōz]

< * xwāzaya

xwyz'm

مضارع اول شخص مفرد

ق: ۱۰۸۵۳

گ: ۲۳۲

i.9

97. XZYH → HZYH

ق: ۱۰۸۸۰

i.2

Y**98. YWM** روز (هزوارش)

mēθ

اسم مذکر

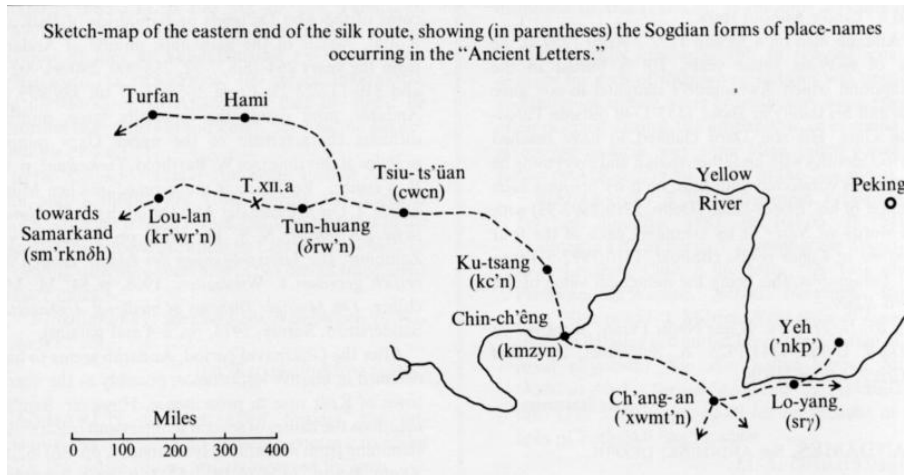
حالت فاعلی

ق: ۱۱۰۵۵

i.2

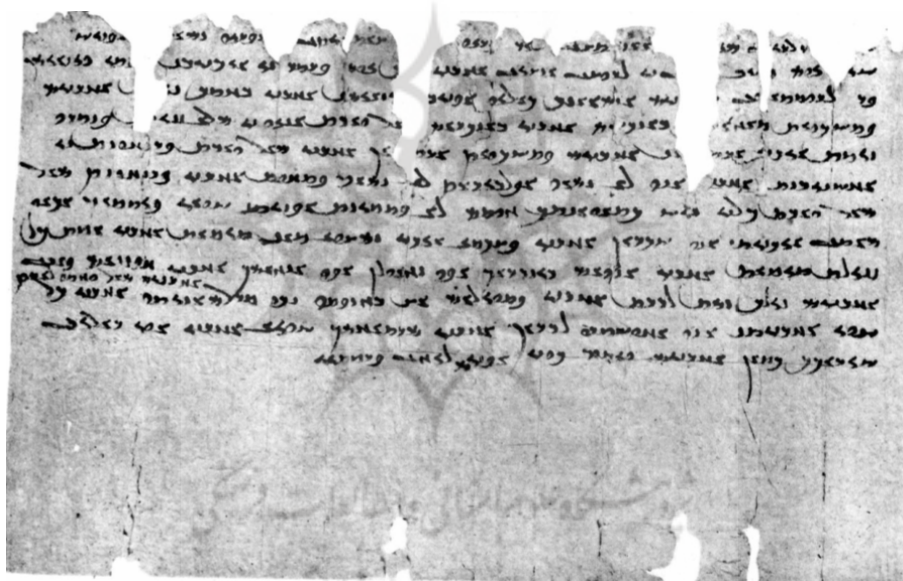
Z

ق: ۱۰۰۳۰	99. ZK آن، او (هزوارش)
گ.پا: ۶۰۲، ۹۲۳	xō
صفت مفعولی	ضمیر
حالت رایبی	حالت فاعلی
→ wɣtw δ'rt ماضی نقلی متعدی	ق: ۱۱۲۹۳
i.10	i.2
93 wyn – دیدن	100. ZKw آنرا، اورا (هزوارش)
wēn	awu/ō
< * waina; Av. vaēna	ضمیر
wyn'ym	ق: ۱۱۲۹۷
تمنایی اول شخص مفرد	i.10
ق: ۱۰۳۹۴	101. ZKZY کسی که، آنکه (هز)
گ.پا: ۳۳، ۵۷۹	kēti? , xoti?
i.3	ضمیر موصول
wyn'ym	ق: ۱۱۳۰۳
مضارع اول شخص مفرد	i.2
i.2	102. ZY و، که (بیانی) (هزوارش)
94. wytwr تا	ti
witūr	i.2,4,5
حرف ربط	
ق: ۱۰۵۵۰	
i.12	
X	
حرف ربط	
ق: ۱۱۵۱۶	



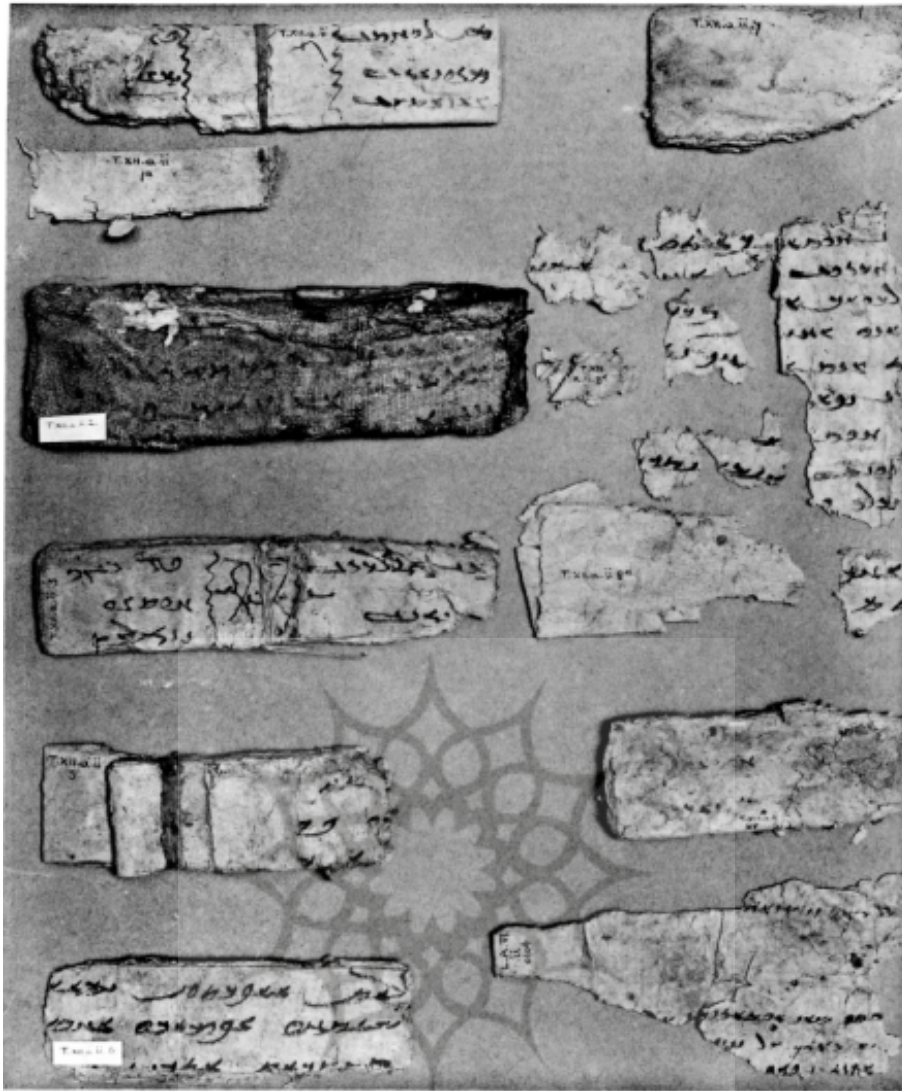
نقشه شماره الف

Sims-williams, Nicholas, 1992, ancient letters Encyclopedia Iranica



Stein, 1921: vol. 4, p. 329

تصویر شماره یک



Stein, 1921: voL.4, p.333

تصویر شماره: دو

پژوهش‌های باستان‌شناختی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱- قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۴، فرهنگ سغدی، انتشارات فرهنگان.

- Gerrchevitch , Ilya . , 1961 , A grammar of Manichean Sogdian , Oxford
 Henning , W.B ,1948, The date of the sogdian ancient letters, Bulletin of the
 School of Oriental and Africa Studies,University of London ,vol.12, pp.601 – 15
 Reichelt , Hans , 1931, Die Soghdischen Handschriftenrests Des Britischen
 Museums
 Sims – Williams , Nicholas,2001,Monks and Merchents, Silk Road Treasures
 from Northwest china (New York)
 Stein. Aurel ,1921 , Serindia, Detailed report of explorations in central asia
 and westernmost china , vo.2,4
 www. Agnes Kelecsenyi, A Hungarian on the silk road , The Hungarian
 Quarterly, vo.xliii , no. 167
 www. Changan , Wikipedia , the free encyclopedia
 www. China view , Xihu – English
 www. Chinese cities and province
 www. Chinese silk road
 www. Dunhuang , Wikipedia , the free encyclopedia
 www. Exploring Chinese History Geographical Database
 www. Gansu
 www. Gansu – Encyclopedia , History , Geography and Biography
 www. Gansu , Wikipedia , the free encyclopedia
 www. Iranica. com – Henning , Walter Bruno
 www. Jiuquan , Wikipedia , the free encyclopedia
 www. loulan , A lost kingdom in Taklamakan
 www. Notes on the history of Dunhuang
 www. The ancient state of loulan
 www. Sims – Williams , Nicholas , Sogdian Ancient Letters
 www.Sogdiana Wikipedia , the free encyclopedia
 www. The origion of lolan's name
 www. Ye china , Wikipedia , the free encyclopedia

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی